نگاه

نظام ارزشی‌مان دچار انحراف شده اما از دست نرفته

نمایش ثروت همچنان قبیح است

«مرده که مرده! دیه‌اش را می‌دهیم!»؛ این جمله جمله ناآشنایی نیست. چند سال قبل بود که مشابه همین کلام را از زبان فردی در جایگاه بسیار مهم‌تر و حساس‌تر شنیدیم. سال ۹۵ بود که در حادثه برخورد قطار سمنان- مشهد و قطار تبریز- مشهد با ۴۴ کشته و ۸۲ مصدوم واکنش وزیر راه هم، مردم به‌ویژه آسیب‌دیدگان و خانواده‌های آنان در این حادثه را شوکه کرد؛ عباس آخوندی گفت: «همه مسافران بیمه‌اند و جای هیچ نگرانی نیست!» با چنین پیشینه‌ای و رسوخ چنین تفکری در میان برخی مسئولان، شنیدن جمله «مرده که مرده! دیه‌اش را می‌دهیم» از سوی یک دختر پورشه‌سوار از طبقات نوکیسه اجتماع چندان دور از انتظار نیست. دیدن چنین رفتارها و به‌کارگیری چنین ادبیاتی از سوی برخی از چهره‌ها یا افراد هرچند هشدار است اما دلیل بر از دست رفتن ساختار ارزشی جامعه ایرانی نیست.

اگر به سراغ قوانین بالادستی کشورمان برویم درمی‌یابیم که برخورد با تبعیض و برقراری عدالت اجتماعی و مقابله با نابرابری بخش مهمی از قوانین بالادستی از جمله قانون اساسی کشورمان را به خود اختصاص داده است.

اصل سوم قانون اساسی دولت را برای آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی موظف می‌کند. همچنین در بند ۹ همین اصل رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی به عنوان یکی از وظایف دولت‌ها تأکید شده است.

مطابق اصل چهل‌وهشتم قانون اساسی در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد؛ در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران هم از جمله اهداف اقتصادی تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش‌وپرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه، تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کار هستند اما وسایل کار ندارند و تحقق حق داشتن و انتخاب شغل برای همه، رفع تبعیض در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی، در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، توزیع سرمایه و امکانات لازم بین مناطق، به صورتی که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود آنها را در دسترس داشته باشد و رفع فساد و تبعیض از جامعه عنوان شده است (چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی).

بانگاهی به عقب و روند طی شده در سال‌های گذشته نیز می‌توان پایه‌های برقراری عدالت را در ساختارهای جامعه اسلامی بعد از انقلاب به روشنی جست‌وجو کرد، اما در سال‌های بعد از دوران جنگ تحمیلی و با روی کار آمدن دولت سازندگی ارزش‌های جامعه ما به سمت‌وسوی ارزش‌های لیبرالی گرایش پیدا کرد و همین مسئله موجب شد تا ساختارهای اجتماعی متفاوتی در جامعه شکل بگیرد و ریشه‌های تبعیض و نابرابری در کشور پایه‌گذاری شود. فرآیند تغییر ارزش‌ها با نگاه لیبرالی در دولت‌های بعدی تشدید شد تا جایی که شاهد تولد و خودنمایی طبقات نوکیسه و نمایش ثروت آنها بوده‌ایم و حالا این طبقات به قدری تکثیر شده‌اند که خودشان مولد آسیب‌های اجتماعی تازه‌ای در سطح جامعه بوده‌اند.

با تمام اینها اما ارزش‌های کلی جاری در جامعه هنوز هم ثروت‌اندوزی و نمایش افراطی ثروت را تقبیح می‌کند؛ جریانی که با رفتارهایی نظیر رفتار و گفتار دختر پورشه‌سوار اصفهانی در واکنش به مرگ راننده پرایدی که با او تصادف کرده می‌گوید: «مرده که مرده! دیه‌اش را می‌دهیم»، جدی‌تر از قبل مطرح می‌شود و می‌توان آن را در واکنش‌های عمومی به این ماجرا به‌روشنی دید.

---

۶ ماه تا ۳ سال حبس و پرداخت دیه مجازات قتل غیرعمد در حوادث رانندگی

چه کسی تاوان جریحه‌دار شدن احساسات عمومی را می‌دهد؟

کورس دو خودروی پورشه منجر به تصادفی شد و بر اثر آن یکی از پورشه‌ها با انحراف از مسیر اصلی با یک دستگاه پراید برخورد کرد و مرگ راننده پراید را رقم زد. پس از آن به دلیل این که راننده پورشه نتوانست ماشین را کنترل کند، این خودرو با ماشین‌های دیگری از جمله یک ۲۰۶ نیز برخورد و خسارت‌های شدیدی به آن وارد کرد. نکته قابل تأمل در این میان اما واکنش راننده پورشه به مرگ راننده پراید بود، وقتی که فریاد می‌کشید و با تهدید نسبت به تکان دادن خودروی گران‌قیمتش می‌گفت: «مرده که مرده! دیه‌اش را می‌دهیم.» موضوعی که به‌شدت عاطفه عمومی را جریحه‌دار کرد و با واکنش جدی از سوی مردم مواجه شد؛ واکنشی که انعکاس آن را به‌خوبی می‌توان در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی ردیابی کرد. در این بین سؤالی جدی شکل می‌گیرد؛ این که آیا به‌راستی تخلف انجام شده در حادثه تصادف پراید و پورشه و مرگ راننده پراید تنها با پرداخت دیه از سوی راننده پورشه تمام می‌شود؟ آیا ماجرا به همین سادگی است و در این بین هیچ تخلفی اتفاق نیفتاده است؟

اگر به سراغ قوانین قضایی برویم می‌بینید که ماجرا به همین سادگی‌ها نیست و با پرداخت دیه قتلی که در حوادث رانندگی اتفاق افتاده همه چیز تمام نمی‌شود. قتل غیرعمد در رانندگی با بیان اینکه جنایت ناشی از حوادث رانندگی عمدتاً مشمول مواد ۷۱۴ تا ۷۱۹ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) است، انواع صدمات مربوط به جنایات مزبور شامل قتل، صدمات شدید بدنی و صدمات خفیف است که صدمات شدید ناشی از جنایت مادون نفس تلقی می‌شود که شامل مصادیق ماده ۷۱۶ از قبیل مرض جسمی، صدمه غیرقابل علاج، از بین رفتن حواس و تغییر شکل دائمی عضوی از صورت و از کار افتادن عضو محسوب می‌شود.

به تناسب اینکه جنایت ناشی از تقصیر با وسیله نقلیه منجر به قتل یا کمتر از قتل می‌شود، مرتکب (راننده) نیز حسب مورد ممکن است به پرداخت دیه و تعزیر محکوم شود و آنچه در موارد ۷۱۵ الی ۷۱۸ آمده است، جنایت غیرعمدی ناشی از تقصیر است که حسب صراحت ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی از نوع شبه‌عمد محسوب می‌شود. منظور از تقصیر که عنصر روانی این نوع حوادث را شامل می‌شود اموری نظیر بی‌احتیاطی (رانندگی با سرعت بالا)، بی‌مبالاتی (نزدن راهنما هنگام گردش به چپ)، نداشتن پروانه رانندگی و نقص فنی و عدم مهارت رانندگی مانند عدم تسلط کافی فرد در رانندگی می‌شود.

مجازات قتل غیرعمدی ناشی از تقصیر در حوادث رانندگی شش ماه تا سه سال حبس و پرداخت دیه است. البته بر اساس مواد ۶۵ الی ۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها سه ماه حبس است به‌جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌شوند، اما این جایگزینی در اختیار مقامات قضایی است.

در حادثه اخیر و در برابر واکنش راننده خاطی نسبت به مرگ راننده جوان پراید و با عنایت به جریحه‌دار شدن عواطف عمومی، افکار عمومی جامعه چشم‌انتظار است تا اشد مجازات برای چنین تخلفی از سوی قانون در نظر گرفته شود؛ امری که نه فقط مرهمی بر خشم و انزجار جامعه از دختر پورشه‌سوار خواهد بود بلکه از تکثیر چنین تفکری نیز ممانعت خواهد کرد.

مرگ انسانیت زیر چرخ‌های پورشه!

وقتی بچه پولدارها بازیگران و بازی گردانان صحنه آسیب‌های اجتماعی می‌شوند

گزارش یک

محمدمهدی نیک‌ضمیر

تصادف عادی نبود بلکه هشداری درباره شکل‌گیری نوع تازه‌ای از آسیب‌های اجتماعی در طبقه مرفه جامعه بود که رهبر معظم انقلاب در برابر این ماجرا اینگونه واکنش نشان دادند: «من شنیده‌ام که گاهی اوقات در بعضی از خیابان‌ها این جوان‌هایی که مست ثروتند- مست غرور ثروت- سوار ماشین‌های آنچنانی می‌شوند و در خیابان بنا می‌کنند به جَوَلان دادن و رفت‌وآمد کردن و محیط خیابان را ناامن [کردن]؛ اینها هم ناامنی است.» شاید اگر همان دو سه سال قبل این موضوع جدی گرفته می‌شد و به اقدامات مقطعی نیروی انتظامی برای مقابله با دور دورهای شبانه منتهی نمی‌شد، امروز شاهد حادثه دختر اصفهانی پورشه‌سواری نبودیم که در تصادف با پراید و در مواجهه با مرگ یک انسان بگوید «دیه‌اش را می‌دهیم!» اما نمایش ثروت و مجال خودنمایی به نوکیسه‌ها همچنان ادامه پیدا کرد؛ امری که بی‌شک برای کنترل آن اقدامات انتظامی کارگشا نخواهد بود و اگر می‌خواهیم به تبلور فقر در یک سوی جامعه و تکثر ثروت در سمت دیگر آن پایان بدهیم باید به سراغ ساختارها رفت؛ ساختارهای اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی که موجب تکثیر «نوکیسه‌ها» می‌شوند.

بچه پولدارها در میان بازیگران آسیب‌های اجتماعی

ماجرای واکنش دختر پورشه‌سوار به مرگ قربانی تخلفات رانندگی او تنها بخشی از آسیب‌هایی است که قشر نوکیسه برای جامعه امروز ما ایجاد کرده‌اند. این حادثه و حوادثی از این قبیل را اگر در کنار آمار و ارقام مصرف مواد مخدر صنعتی لاکچری و گران‌قیمت همچون کوکائین بگذارید متوجه خواهید شد بروز شکاف طبقاتی و تجمع فقر در یک سوی جامعه و تکثر ثروت در سوی دیگر موجب شده تا تمام طبقات اجتماعی هر کدام به نوعی در چرخه‌ای از آسیب‌های اجتماعی گرفتار شوند. هرچند فساد و آسیب‌های اجتماعی در طبقات مرفه جامعه کمتر به چشم می‌آید و حوادثی نظیر حادثه اصفهان تنها برش کوتاهی از منش طبقه‌ای است که بروز و ظهور و تولدش نشانی از ساختارهای غلط اجتماعی و اقتصادی حاکم شده در جامعه امروز است.

تبعات اجتماعی حادثه دختر پورشه‌سوار

حوادثی نظیر حادثه دختر پورشه‌سوار اصفهانی تبعات گسترده‌ای را در سطح جامعه ایجاد خواهد کرد. جامعه‌ای که با تغییر جدی در سبک زندگی و مادی شدن ارزش‌ها مواجه است و حالا با نمایش ثروت و ناچیز شمردن جان انسانی از طبقات ضعیف‌تر از سوی فردی نوکیسه مواجه می‌شود و این مسئله «مقایسه اجتماعی» را تشدید خواهد کرد. دورکیم و مرتون معتقدند وقتی فقر تأثیر مخرب خواهد داشت که در مقابل فقر، «تصویر» یا «قول» آرزوهای بلندپروازانه ارائه شود، در آن صورت فقر غیر قابل تحمل می‌شود.

احساس تبعیض و مقایسه می‌تواند موتور تشدیدکننده بروز آسیب‌های اجتماعی باشد؛ آسیب‌هایی که بر اثر شکاف عمیق طبقاتی در جامعه شکل گرفته و روز به روز این شکاف را عمیق‌تر خواهد کرد. نکته قابل تأمل اینجاست که با انباشت رفاه و فساد در یک سو و فقر و فلاکت در سوی دیگر جامعه ممکن است ساختار اجتماعی کشور به گونه‌ای آسیب ببیند که شاید هیچگاه قابل جبران نباشد.

بدیهی است تنها راهکار کنترل واکنش‌های بعدی جامعه به چنین حوادثی برخورد قاطع و قانونی با چنین افرادی است؛ برخوردی که نه فقط به این دختر بلکه به تمام هم‌قطاران وی اثبات کند «خیلی چیزها خریدنی نیست».

رقابتی نابرابر؛ یک سوی این رقابت ارزان‌ترین ماشین کمپانی‌های داخلی قرار داشت که به ناامنی مشهور است اما تاکنون هیچ سازوکاری نتوانسته کمپانی‌اش را به ارتقای کیفیت وادار کند. سوی دیگر اما یکی از مشهورترین برندهای دنیا با کیفیتی ممتاز و ایمنی کامل که با خودرویی مانند خودش کورس گذاشته بود، اما انحراف از مسیر اصلی و ناشی‌گری راننده‌اش برای ماشین پراید حادثه آفرید. مرگ راننده پراید در این تصادف اما تلخ‌ترین بخش این تراژدی نیست. تلخ‌ترین قسمت این ماجرا واکنش راکب پورشه به مرگ راننده پرایدی است که با آن تصادف کرده وقتی می‌گوید «مرده که مرده! دیه‌اش را می‌دهیم. می‌دانید قیمت این ماشین چقدر است؟ ماشین را تکان ندهید.» چند سالی می‌شود که ترکیب بازیگران صحنه آسیب‌های اجتماعی تغییر کرده است. حالا هرچند برخی آسیب‌ها در اقشار و طبقات ضعیف جامعه به عنوان قربانیان تبعیض و نابرابری اجتماعی همچنان شیوع دارد و می‌تواند چرخه این آسیب‌ها را تداوم بخشد اما انگار باید درباره رشد و شیوع آسیب‌های اجتماعی در قشر نوکیسه جامعه بیشتر نگران بود؛ اقشاری از جامعه که یک شبه از میانه نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و ساختار بیمار اقتصاد کشور به ثروت‌های میلیاردی رسیده‌اند و عقب‌ماندگی فرهنگی‌شان موجب شده تا منشأ اشکال جدیدی از آسیب‌های اجتماعی شوند.

نوکیسه‌ها منشأ و محصول فقر و نابرابری اجتماعی!

کنترل و مقابله با آسیب‌های اجتماعی رواج‌یافته میان اقشار نوکیسه جامعه هیچگاه به‌راحتی کنترل نمی‌شود و مقابله با آسیب‌های موجود در میان طبقات فرودست جامعه همچون حاشیه‌نشینان و زاغه‌نشینان نیست. آسیب‌هایی همچون فقر، اعتیاد و جرائمی همچون دزدی‌های خرد، آسیب‌های معمول در اقشار ضعیف و فقیر جامعه‌اند که با برقراری عدالت در توزیع ثروت و امکانات و رسیدگی بیشتر به اوضاع معیشتی این قشر تا حد زیادی قابل کنترل هستند و می‌توان این آسیب‌ها را از میان برداشت. به سراغ ریشه‌های این آسیب‌ها هم که برویم درمی‌یابیم اقشار ضعیف اقتصادی قربانیان همین نوکیسه‌هایی هستند که سوار بر موج ساختارهای معیوب از آنها بهره‌کشی می‌کنند. آسیب‌های بروزیافته در میان طبقات مرفه اقتصادی و ثروتمندان نوکیسه اما تمام جامعه را متضرر می‌کند و این بار ماجرا مصداق «تیغ دادن در کف زنگی مست» است. نوکیسه‌ها «پول» و امکانات دارند اما به دلیل فقدان رشد اجتماعی و فرهنگ بهره‌گیری از این امکانات و ثروت به کانونی برای بروز آسیب‌های اجتماعی تبدیل شده‌اند؛ از نمایش ثروت و ایجاد احساس تبعیض و نابرابری در سایر اقشار جامعه گرفته تا آسیب‌های مستقیم و جدی پورشه‌سواران!

> **جامعه‌ای که با تغییر جدی در سبک زندگی و مادی شدن ارزش‌ها مواجه است و حالا با نمایش ثروت و ناچیز شمردن جان انسانی از طبقات ضعیف‌تر از سوی فردی نوکیسه مواجه می‌شود و این مسئله «مقایسه اجتماعی» را تشدید خواهد کرد. دورکیم و مرتون معتقدند وقتی فقر تأثیر مخرب خواهد داشت که در مقابل فقر، «تصویر» یا «قول» آرزوهای بلند پروازانه ارائه شود**

حادثه‌ای که نخستین بار نبود

این نخستین باری نیست که پورشه‌سوران منشأ آسیب می‌شوند و قربانیان این آسیب‌ها از اقشار عادی جامعه‌اند. بگذریم از اینکه سرمنشأ بخش مهمی از آسیب‌های اقتصادی و در پی آن آسیب‌های اجتماعی جامعه امروز هم به نوعی همین افراد نوکیسه هستند. افرادی که در تعیین بازارها و تغییر قیمت‌ها دستی بر آتش دارند و توانسته‌اند نبض بازار و اقتصاد کشور را در دست بگیرند و آن را بیش از پیش بیمار سازند تا ثروت خودشان روز به روز انباشته‌تر شود و این ثروت باد آورده را در دور دورهای شبانه و پارتی‌های آنچنانی و صفحات اینستاگرامی‌شان به نمایش بگذارند تا باز هم با ایجاد احساس تبعیض و نابرابری در میان سایر گروه‌های جامعه ساختار اجتماعی را به هم بریزند و جامعه را به سوی آنومی پیش برند. چند سال پیش هم رقم خوردن دو حادثه جدی از سوی پورشه‌سوران و بی‌ام‌دبلیوسواران آنچنان جامعه را ملتهب کرد که حتی رهبر معظم انقلاب هم به این ماجرا واکنش نشان دادند.

تصادف دختر جوانی با پورشه زردرنگ که به مرگ دو سرنشین خودرو منجر شد و همچنین تصادف خودروی بی‌ام‌دبلیو با پرشیا که پنج کشته داد. این دو تصادف که با فاصله کوتاهی از هم در خیابان‌های بالای شهر تهران رخ داد اما حکایت یک

گزارش ۲

مراقب باشیم تردیدهای افکار عمومی به بدبینی و بی‌اعتمادی تبدیل نشود

چکش قانون خط‌کش پول و ثروت را می‌شکند؟!

مریم ترابی

تمام مدت در خیابان‌های شهر چه در حین رانندگی چه در حال پیاده‌روی، باید مراقب باشیم افراد مجنون و سرگردانی که تعادل روحی و روانی ندارند به ما آسیب جانی و مالی نرسانند. همیشه از ارابه‌های مرگ در خیابان‌ها صحبت کرده‌اند و تذکرهای بسیاری داده شده است تا قانونگذارها فکری کنند به حال این افراد که با حرکات نمایشی خود برای دیگران ایجاد خطر می‌کنند، ولی گویا مسئولان هم از دست این افراد عاجز شده‌اند و غیر از جریمه کردن افراد خاطی راه دیگری پیدا نکرده‌اند. اما آیا جریمه کردن و توقیف کردن خودروی این افراد برای تنبیه و مجازات کافی است؟ با توجه به وضعیت تصادفات و آمار تلفات جانی و مالی که شاهد هستیم، قطعاً کافی نیست!! اخیراً خبر تصادف دختر پورشه‌سوار اصفهانی در شبکه‌های اجتماعی به‌شدت سروصدا کرد. این تصادف هم مثل تمام تصادفات دیگری که در سطح شهر هر روز و هر شب اتفاق می‌افتد بوده ولی یک تفاوت با سایر تصادفات داشته است و آن هم رفتار وقیحانه و گستاخانه دختر پورشه‌سوار است که تعجب همگان را برانگیخت.

ماجرا از این قرار بود که دو خودروی پورشه هنگام شب، در سطح شهر اصفهان کورس گذاشته و یکی از این دو خودرو با انحراف از مسیر اصلی با خودروی پرایدی برخورد می‌کند و موجب فوت راننده خودروی پراید می‌شود. طبق گفته شاهدان عینی راننده همان پورشه که پسر جوانی بوده است از خودرو پیاده می‌شود و فرار می‌کند. راننده پورشه دوم دختر جوانی است که با داد و فریاد و جیغ نمی‌گذارد مأموران پلیس به وظایف خود عمل کنند و مانع از بردن خودروها می‌شود. تا اینجای ماجرا مثل تمام تصادفات است. اما نکته قابل تأمل در این حادثه رفتار و برخورد گستاخانه یکی از راکبان این دو خودرو است. دختری که به طرز بسیار عجیبی با صحنه برخورد می‌کند و طلبکارانه از خسارات وارد شده به خودروی میلیاردی خود شکایت می‌کند و در مورد راننده پراید که در این حادثه کشته شده است می‌گوید: «عیبی ندارد دیه او را پرداخت می‌کنیم!» راننده پسر از ترس پیاده می‌شود و فرار می‌کند. دختری که سوار پورشه دیگر بوده با پسر تماس می‌گیرد و گلایه می‌کند که چرا به پورشه پدرش آسیب زده شده است. در ادامه دختر از ماشین خود ۳۵ میلیون پول نقد و چهار عدد گوشی موبایل در می‌آورد! گویا هر دو ماشین متعلق به پدر دختر بوده است. در ویدئوهایی که از دختر مالک پورشه در فضای مجازی تکثیر شده او دائماً در حال جیغ کشیدن است و دائماً می‌گوید: «چرا نمی‌گذارید سوار ماشینم بشم؟ اون آقا هم برادرمه!» دختر اصفهانی پولدار با صدای بلند می‌گوید: «چرا ماشینم رو می‌برید؟ این ماشین کلی پولشه! این ماشین بابامه!» پلیس می‌گوید: «آدم کشتید.» دختر می‌گوید: «کشتیم که کشتیم! دیه‌اش را می‌دهیم!» درواقع او با این عبارت این باور را ترویج می‌کند که به همین راحتی مثل یک آب خوردن می‌توان آدم کشت و بعد پولش را داد!

پسر ۱۵ ساله‌ام با حالت ناراحت و در عین حال همراه با بهت و حیرت از اتاقش بیرون می‌آید. صدایش می‌کنم. به طرفم برمی‌گردد. حالش را می‌پرسم. با نگاه بهت‌آمیز به من نگاه می‌کند و می‌گوید: «این دختر آدم کشته ولی می‌گوید کشتم که کشتم. این یعنی چی؟ مگه این قتل نیست؟ مگه مجازات قتل قصاص نیست؟ پس چرا می‌گوید دیه‌اش را می‌دهم؟ برام توضیح بدید؛ من معنی این حرف‌ها را نمی‌فهمم! من درک نمی‌کنم وقتی آدم بکشی با پرداخت دیه‌اش می‌توانی از مجازات آن راحت شوی.» با بهت و ناراحتی به پسر نوجوانم نگاه می‌کنم که هضم و درک این موضوع چقدر برایش سخت و دردناک است. به او چه باید بگویم؟ غیر از اینکه بله این درست است و در قانون ما وقتی فردی در تصادف کشته می‌شود فرد مقصر با پرداخت دیه فرد متوفی می‌تواند آزاد باشد و مجازات دیگری هم ندارد. وقتی این پسر نوجوان که نماینده نسل خود است نمی‌تواند این گستاخی را هضم کند چطور انتظار داریم افکار عمومی این نوع رفتارها و این بی‌قانونی‌ها را هضم کند؟

ما چگونه می‌توانیم ترس از قانون و مجازات سخت آن را به فرزندانمان گوشزد کنیم وقتی چنین وقاحت و گستاخی در سایه پولدار بودن در جامعه بروز می‌کند؟

در روزهای پایانی سال بحث دیه و بالا رفتن قیمت آن با توجه به تورم بیش از حد، به یک موضوع حساس تبدیل شده بود. با تورم موجود به هر شکلی که محاسبه می‌شد قیمت دیه سر به فلک می‌کشید و رقم نجومی پیدا می‌کرد که فقط دلهره و اضطراب را به جان جامعه می‌انداخت. اما مسئولان مربوطه با حساب و کتاب‌هایی که فقط خودشان از آن سر در می‌آورند با افزایش چند درصدی دیه موافقت کرده و رقم دیه در ماه‌های عادی و ماه‌های حرام را اعلام کرده‌اند. ولی وقتی قیمت خودروها به شکل عجیب و غیرقابل تصوری افزایش پیدا کرده و به تعداد ماشین‌های میلیاردی در سطح شهر اضافه شده است، عدد نرخ دیه در برابر این تورم بدجور رنگ باخته است. رنگ باخته است، وقتی افراد یک‌شبه پولدار می‌شوند اما یک‌شبه فرهنگ استفاده از این پول‌ها را پیدا نمی‌کنند. وقتی این افراد فرهنگ استفاده از پول را نداشته باشند طبیعتاً باید شاهد این نوع رفتارها و بی‌اخلاقی‌ها در جامعه باشیم. وقتی اشیا ارزشمندتر از جان انسان می‌شود چه انتظاری به غیر از این باید داشته باشیم؟ پراید چه ارزشی دارد که جان پرایدسوار آن ارزش داشته باشد؟!

از سویی پلیس سریعاً اعلام کرد که راننده خاطی پورشه متعلق به هیچ یک از مسئولان نبوده و راننده آقازاده نبوده است. این تأکید به چه معنی است؟ آیا بیان این جمله خود به‌خود شائبه تفاوت در نوع برخورد با مجرم و خاطی را در افکار عمومی ایجاد نمی‌کند؟! آیا آقازاده نبودن این خاطی‌ها این مشکل بی‌اخلاقی را حل می‌کند؟ اکنون دیگر نوع برخورد با این افراد مهم نیست، مهم این است که باید مراقب باشیم اخلاق و انسانیت در جامعه ما کمرنگ نشود. باید مراقب باشیم معیارهای اخلاقی و قانونی جامعه با خط‌کش پول قابل اندازه‌گیری نباشد! اگر چکش قانون نتواند خط‌کش پول و پارتی را بشکند تردیدهای مردم در این باره به بدبینی و بی‌اعتمادی تبدیل خواهد شد.